

اعتبارسنجی و ارزش‌گذاری شهادت شهود گمنام در قانون آئین دادرسی کیفری ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

| علی دهقانی* | دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم
سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
| محمد آشوری | استاد حقوق کیفری و جرم‌شناسی (استاد راهنما)، گروه حقوق کیفری، دانشکده
حقوق، هیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
| منصور رحمدل | استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی (استاد مشاور)، گروه حقوق کیفری،
دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

چکیده

یکی از تدابیر اتخاذشده برای حمایت از شهود در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قانون آئین
دادرسی کشورمان، مخفی نگه داشتن هویت آنان است. حق متهم مبنی بر مواجهه و پرسش از شهود
نیز از الزامات دادرسی عادلانه است. پس امنیت شهود و رعایت حقوق دفاعی متهم هر دو واجد
اهمیت است و نمی‌توان در جهت امنیت شهود، حق متهم را نادیده گرفت و یا جهت رعایت حقوق
دفاعی متهم نسبت به امنیت شاهد در معرض خطر و تهدید بی‌توجه بود. راجع به اعتبار و ارزش
اثباتی شهادت شهود ناشناس، این پرسش مطرح می‌شود که ارزش و اعتبار و شهادت آنان تا چه
میزان ارزش‌گذاری می‌شوند؟ قانون آئین دادرسی کیفری در مورد اعتبارسنجی و ارزش شهادت
شهود گمنام و اینکه آیا چنین شهادتی می‌تواند به‌تنهایی مستند حکم محکومیت قرار گیرد، ساکت
است. به‌نظر می‌رسد ارزش و اعتبار گواهی شهود گمنام، چنانچه امکان مواجهه و به‌چالش کشیدن
شهود برای متهم فراهم نشود، هم‌سنگ و هم‌ردیف شهود با هویت معلوم نباشد. در مقاله حاضر
اعتبارسنجی و ارزش‌گذاری شهود گمنام در پرتو نظام حاکم بر ادله، حقوق دفاعی متهم و امنیت

شهود به روش تحلیلی، تفسیری، تطبیقی و کاربردی با بهره‌گیری از منابع داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امنیت شهود، شهود گمنام، حقوق دفاعی متهم، قانون آئین دادرسی دیوان کیفری، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.

مقدمه

کشف حقیقت و اجرای عدالت از ارکان اساسی دادرسی‌های کیفری است که با بررسی و ارزیابی ادله حاصل می‌شود. تحصیل دلیل و ارزیابی آن نیز تابع اصول و مقرراتی است که رعایت آن‌ها توسط مقامات قضائی الزامی است. علاوه بر اینکه رعایت قواعد مربوط به ادله در زمان تحصیل، موجب اعتبار و قابل استناد بودن آن می‌شود، رعایت حقوق دفاعی متهم و فرصت ارائه ادله معارض و به چالش کشیدن دلایل ابرازشده، به‌ویژه در مورد شهادت شهود که یکی از مهم‌ترین ادله اثباتی در مرحله تحقیقات مقدماتی محسوب می‌شود، امری ضروری است. بنابراین از دیرباز، همواره اصل کشف واقع، تحصیل دلیل و نظام حاکم بر آن، ارزیابی و ارزش‌گذاری ادله، حقوق دفاعی متهم و امنیت شهود برای تشویق آنان به ادای شهادت از مباحث بحث‌برانگیز حقوق کیفری بوده است. ترغیب شهود به شهادت دادن در مورد واقعه‌ای که ناظر وقوع آن بوده‌اند، مستلزم تأمین امنیت آن‌ها است. از طرفی رعایت حقوق دفاعی متهم و حق پرسش متقابل از شاهدی که علیه او شهادت داده، از الزامات دادرسی عادلانه است تا از این طریق بتواند اعتبار و صحت اظهارات شاهد را مورد تردید قرار دهد. بنابراین در دادرسی عادلانه و منصفانه امنیت شهود و رعایت حق متهم مبنی بر سؤال از شاهد، هر دو واجد اهمیت است و نمی‌توان در جهت امنیت شهود، این حق متهم را نادیده گرفت و نباید به بهانه حفظ حقوق دفاعی متهم نسبت به امنیت شاهدی که در معرض خطر و تهدید قرار دارد، بی‌توجه بود. یکی از تدابیر اتخاذشده برای حمایت و امنیت شهود در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و به‌تبع آن قوانین داخلی کشورها از جمله قانون آئین دادرسی کشورمان مخفی نگه داشتن هویت و اطلاعات آنان از متهمان است که به شهود گمنام تعبیر می‌شوند. استماع گواهی چنین شهودی سبب می‌شود که حق متهم برای مواجهه حضوری با گواهان ناشناخته و سؤال از آنان به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی سلب شود و موجب طرح پرسش‌های متعددی شده بود، از جمله اینکه بین اصل حمایت از شهود و حقوق دفاعی متهم کدام‌یک ارجحیت دارد؟ و چگونه می‌توان بین این دو تعادل برقرار کرد؟ درخصوص پیشینه تحقیق باید گفت که هرچند راجع به حمایت از شهود در فرایند دادرسی کیفری و حفظ امنیت شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم و موارد مشابه دیگر تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است؛ ولی در

مورد اعتبار و ارزش اثباتی شهادت شهودی که به لحاظ وجود خطر و تهدید نسبت به آنان هويت واقعی آن‌ها از متهم مخفی می‌شود و با وی مواجهه حضوری نمی‌شوند، به‌عنوان یکی از تدابیر حمایت از شهود، با توجه به اینکه از ابداعات قانون‌گذار در قانون آئین دادرسی کیفری و از تأسیسات جدیدی است که وارد حقوق موضوعه کشورمان شده است، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته و در آثار حقوقدانان به این موضوع پرداخته نشده است و همواره این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که ارزش و اعتبار گواهی شهود گمنام تا چه حد است؟ آیا از لحاظ ارزش اثباتی هم‌سنگ و هم‌ردیف با شهادت شهودی است که با متهم روبرو شده و امکان به چالش کشیدن آنان توسط متهم وجود داشته، می‌باشد یا خیر؟ به‌عبارت دیگر، چنانچه شهادت شهود گمنام معارض با حقوق دفاعی متهم و یا الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه باشد، می‌تواند واجد ارزش اثباتی باشند و اساساً تا چه میزان ارزش‌گذاری می‌شوند؟ هرچند طبق اصول کلی تأثیر و ارزش گواهی گواهان با مقام قضائی است؛ اما قانون آئین دادرسی کیفری در مورد اعتبارسنجی و ارزش شهادت شهود گمنام و اینکه آیا چنین شهادتی می‌تواند به‌تنهایی مستند حکم محکومیت متهم قرار گیرد، ساکت است؛ از این‌رو تحقیق و بررسی تحلیلی و تطبیقی در موضوع ضروری به نظر رسید که همین امر نگارنده را راغب به تحقیق در این زمینه کرد. در این پژوهش ارزش و اعتبار شهادت شهودی که هويت آنان از متهم مخفی نگه داشته می‌شود، به‌صورت تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تلاش شده است با تکیه بر سؤالات به بررسی موضوع در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و قانون آئین دادرسی کیفری کشورمان پرداخته و پاسخ مناسب ارائه شود.

۱. ادله اثبات کیفری و اعتبار آن در دادرسی عادلانه

کشف حقیقت که هدف اصلی دادرسی‌های کیفری و لازمه اجرای صحیح قوانین کیفری است، با تحصیل و پذیرش دلایل و ارزیابی آن‌ها توسط مقامات قضائی امکان‌پذیر است. ضرورت کشف حقیقت در امور کیفری و تأمین امنیت در جامعه و به کیفر رساندن مجرمان مستلزم وجود ادله کافی و معتبر است. رعایت کرامت انسانی، موازن حقوق بشر و حقوق دفاعی متهمان و فرض برائت و الزامات دادرسی منصفانه و عادلانه، جمع‌آوری، ارزیابی و اعتبار بخشیدن به دلایل را تابع اصول و ضوابطی قرار داده است. اصول دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که «ادله معتبر» و واجد «ارزش اثباتی» از سوی قانون‌گذار و در صورت ضرورت از طریق رویه قضائی مشخص شود تا اصحاب دعوا از تحصیل و ارائه دلایلی که فاقد ارزش قضائی است، امتناع کنند و از سوی دیگر، شیوه‌های صحیح تحصیل دلیل معتبر و ضوابط خاص لازم‌الرعایه ناظر به آن‌ها و یا دست‌کم شیوه‌های مذموم و ناپسند تحصیل دلیل از سوی قانون‌گذار بیان و ارائه شود تا از توسل به روش‌های

غیرقانونی در تحصیل و ارائه دلیل که نه فقط به مخدوش شدن خود دلیل منجر می‌شود، بلکه در پاره‌ای از موارد قابل تسری به کل تحقیقات است، اجتناب شود. بنابراین رعایت کرامت انسانی، حقوق بشر و به‌ویژه شخصیت افراد، هرچند متهم باید هدایت‌کننده قانون‌گذاران و قضات در تدوین و اجرای مقررات مربوط به ادله اثبات دعوی کیفری به منظور تضمین یک دادرسی عادلانه باشد (آشوری ۱۳۸۸، ۲۹۳ و ۲۹۴). در امور کیفری با توجه به تنوع جرائم و شیوه‌های ارتکاب آن‌ها، ادله اثبات‌کننده جرم و انتساب آن به متهم نیز متنوع هستند و قاضی تحقیق می‌تواند به هر نوع دلیلی به منظور اثبات موضوع استفاده کند.

۱-۱. ارزش اثباتی دلایل در دیوان کیفری بین‌المللی

جمع‌آوری و تحصیل ادله در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی تابع قواعد حاکم بر دادرسی عادلانه خواهد بود. به طوری که رویکرد پذیرفته شده در آئین دادرسی کیفری بین‌المللی تاکنون این بوده که هر دلیلی که می‌تواند ارزش اثباتی داشته باشد، پذیرفتنی است، مگر پذیرش آن با ضرورت تأمین دادرسی عادلانه ناسازگار باشد (فضائلی، ۱۳۹۲: ۴۵۳). در اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، تمامی دلایل می‌توانند ارزش اثباتی داشته باشند، مگر آنکه پذیرفتن آن‌ها با الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه در تعارض باشد و هر دلیلی که در کشف حقیقت مؤثر بوده و شیوه تحصیل آن نیز مغایر با ضوابط دادرسی عادلانه و منصفانه و نقض حقوق بشر نباشد، قابلیت پذیرش دارد. این نکته در بندهای ۴ و ۷ ماده ۶۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی این‌گونه بیان شده که: «دیوان می‌تواند با درنظر گرفتن جوانب امر از جمله اعتبار و ارزش اثباتی ادله و هرگونه لطمه‌ای که آن ادله ممکن است به یک دادرسی عادلانه و یا ارزیابی منصفانه از شهادت شهود وارد آورد، نسبت به مربوط بودن آن ادله یا پذیرش آن مطابق آئین دادرسی و ادله اتخاذ تصمیم کند». «ادله‌ای که با نقض این اساسنامه و یا حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی تحصیل شده باشد، پذیرفته نیست؛ البته به شرط آنکه: الف) نقض مذکور اعتبار آن ادله را اساساً متزلزل سازد؛ ب) پذیرش آن ادله معارض با سلامت دادرسی بوده یا صحت آن را جداً به مخاطره بیفکند». در تکمیل مقررات مربوط به ادله بند ۲ ماده ۶۳ آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی مقرر داشته: «هر شعبه‌ای مطابق با اختیارات توصیف‌شده در بند ۹ ماده ۶۴ (اساسنامه) صلاحیت آزادانه به کلیه ادله تسلیم‌شده را برای تعیین ارتباط و قابلیت استماع مطابق ماده ۶۹ (اساسنامه) دارد». بنابراین در مقررات دیوان کیفری بین‌المللی هر دلیلی که دارای ارزش اثباتی باشد، قابلیت پذیرش دارد و تشخیص میزان ارزش اثباتی ادله برعهده دادگاه است. در اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، الزامات و ضوابط دادرسی عادلانه و منصفانه بر تحصیل و جمع‌آوری ادله نیز حاکمیت دارد و در زمان

ارزیابی، چنانچه دلایلی برخلاف اصول دادرسی عادلانه به دست آمده یا تحصیل گردیده، فاقد ارزش و اعتبار خواهد بود.

۱-۲. ارزیابی و ارزش ادله در قانون آئین دادرسی کیفری

قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی فصل دوم قانون مذکور را به رسیدگی به ادله اثبات اختصاص داده و به موجب ماده ۳۱۸ آن قانون، ادله اثبات را به قانون مجازات اسلامی ارجاع کرده و تشریفات رسیدگی به ادله را در مواد بعدی ذکر نموده است. بررسی مقررات مربوط به ادله در امور کیفری نشان می‌دهد که هرچند قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی برخی دلایل شرعی (اقرار و شهادت) را به صراحت دارای جنبه موضوعیت دانسته است؛ ولی موضوعیت داشتن ادله موصوف به منزله پذیرفتن قطعی آن‌ها از سوی قضات نخواهد بود و چنانچه آن ادله مغایر با علم قاضی و در تعارض با سایر قرائن و امارات مفید علم در پرونده باشد، قاضی تکلیفی به پذیرفتن آن دلایل ندارد. در صورت پذیرفتن مطلق موضوعیت داشتن اقرار و شهادت، قاضی بلافاصله پس از اقرار متهم و یا شهادت شهود تکلیف به صدور حکم محکومیت داشت، در حالی که قاضی در ارزیابی ادله آزاد بوده و چنانچه این ادله را با قرائن و امارات منعکس در پرونده معارض ببیند، می‌تواند به آن‌ها ترتیب اثر ندهد و به علم خود عمل کند. به عبارت دیگر، آنچه ملاک و معیار قرار می‌گیرد، اقتناع و یقین قضائی پس از ارزیابی دلایل است، نه صرف وجود ادله. با این وجود، در قانون آئین دادرسی کیفری، ضوابط و اصول حاکم بر ادله پیش‌بینی نشده است؛ از این‌رو در پرتو دادرسی عادلانه می‌بایست، اولاً- ضوابط مربوط به ادله و شیوه تحصیل دلیل به‌طور دقیق و مفصل در قانون آئین دادرسی کیفری به موجب فصل جداگانه‌ای پیش‌بینی شود. ثانیاً- به‌عنوان یک قاعده کلی در ارتباط با شیوه تحصیل دلیل، به صراحت در قانون قید شود، هرگونه ادله‌ای که مغایر با ضوابط دادرسی عادلانه در کلیه فرایندهای رسیدگی کیفری تحصیل شده باشد، فاقد اعتبار و ارزش اثباتی است.

۲. شهادت شهود و حقوق آنان

شهادت شهود از جمله ارکان اساسی در تحقیقات کیفری به‌شمار می‌روند، زیرا در بسیاری از موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه بدون معاضدت کسانی که خود در صحنه وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده‌اند، میسر نیست. به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۱۳). حضور شاهد در فرایند تحقیقات و دادرسی به‌منظور پاسخ به پرسش‌های طرفین و مواجهه حضوری با متهم امری ضروری خواهد بود. به همین جهت در نظام‌های کیفری تلاش می‌شود با اتخاذ تدابیر و اقدامات حمایتی از شهود، زمینه اعتماد و مشارکت آنان در فرایند کیفری و کمک به کشف حقیقت

بیش‌تر شود. به‌منظور حمایت از شهودی که همکاری با مقامات اجرای قانون دارند یا شهادت در دادگاه سبب خواهد شد جان آنان یا خانواده‌شان به‌خطر بیفتد، کشورها به‌طور فزاینده قوانین یا سیاست‌های لازم را اتخاذ می‌کنند (قربانی، ۱۳۸۸: ۱۳). تأمین امنیت شهود یقیناً یکی از مسائل مهم در جریان اجرای عدالت کیفری است و حتی در محاکمات کیفری بین‌المللی مهم‌تر است. قضات هنگام تصویب آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، مقرراتی را پیش‌بینی کرده‌اند که هدف آن‌ها تأمین امنیت شهود است. این مقررات عمدتاً بر حفاظت از شهود در دادگاه به‌موجب اقدامات شکلی متمرکز هستند. با این حال، با تأسیس واحد بزه‌دیدگان و شهود، قضات به دیوان اجازه دادند تا حفاظت شهود را حتی فراتر از رسیدگی به‌معنی خاص تعمیم دهند (زاپالا، ۱۳۹۲: ۲۵۷). بنابراین اتخاذ تدابیری که به‌واسطه آن شهود بدون هراس از خطرات احتمالی نسبت به جسم و جان خود به ادای شهادت مبادرت ورزند، امری ضروری است. ازجمله این تدابیر، اخفای هویت شهود است. عدم افشای هویت شاهد و حضور ایشان در جلسات رسیدگی برای حمایت از وی در برابر تهدید و انتقام، سبب ایجاد محدودیت‌هایی در حق پرسش متهم از شاهد می‌شود.

۱-۲. حمایت از شهود از طریق شهادت از راه دور در دیوان کیفری بین‌المللی

به‌منظور حمایت از شهود و حفظ امنیت آنان در جریان محاکمات بین‌المللی، اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی مقررات ویژه‌ای را برای حمایت از شهود اختصاص داده است. به‌موجب بند ۶ ماده ۴۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، رئیس دبیرخانه بخشی را برای کمک به قربانیان و شاهدان تأسیس کرده است که با مشورت با دادسرا، اقدامات حمایتی و امنیتی و مساعدت‌های مناسب برای شاهدان و قربانیان و هر اشخاص دیگری که شهادت شاهدان ممکن است، متضمن خطری برای آنان باشد، انجام می‌دهد و به‌منظور حمایت از قربانیان و شهود، واحدی تحت همین عنوان تأسیس تا اقدامات حمایتی، حفاظتی و مساعدتی برای شهود و قربانیان انجام دهد. به‌طورکلی، مواد ۴۳ و ۱۶۸ اساسنامه و مواد ۸۵ تا ۸۸ آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، اقدامات و تدابیر حمایتی متعددی را برای شهود پیش‌بینی کرده است تا در موردی که افشای هویت شهود موجب ایجاد هرگونه خطر برای آنان و یا افراد دیگر شود، این اقدامات حفاظتی صورت گیرد. اّم تدابیر اتخاذشده در حمایت از شهود عبارت‌اند از: مخفی کردن هویت شهود از طریق پاک کردن نام آن‌ها از بایگانی، تکلیف دادستان، وکیل مدافع و اشخاص دیگر شرکت‌کننده در دادرسی به عدم افشای اطلاعات شهود، استماع شهادت شهود از طریق وسایل الکترونیکی، شهود گمنام و برگزاری غیرعلنی جلسه دادگاه. بیش‌تر محققان بین‌المللی بر این اعتقادند که بهترین راه حمایت از شهود سرّی بودن تحقیق و عدم افشای هویت آن‌ها است (لوک‌والین، ۱۳۸۵: ۴۲). البته

اقدام حمایتی فوق‌العاده استثنائی ادای گواهی در جلسه غیرعلنی، فقط وقتی در نظر گرفته می‌شود که دلایلی دال بر این باشد که: ۱- یک خطر واقعی و خاص برای شاهد و خانواده‌اش وجود دارد؛ ۲- حق متهم به برخورداری از یک جلسه علنی نقض نمی‌شود؛ ۳- به هیچ روش حمایتی که کم‌تر محدود کننده باشد، نمی‌توان تمسک جست (سادات‌اسدی، ۱۳۸۸: ۳۴). در اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی رعایت حقوق متهم و منافع شهود، با هم مدنظر قرار گرفته است. یکی از تدابیر حمایت از شهود در محاکمات دیوان کیفری بین‌المللی به منظور اخفای هویت شهود، استماع شهادت آنان از راه دور است که با وجود مزایای آن، موردانتقاد قرار گرفته است. شهادت از راه دور در مقایسه با شهادت حضوری نمی‌تواند فرصت ارزیابی رفتار و صداقت شاهد را برای قضات فراهم آورد و با عدم توازن میان منافع طرف‌های رسیدگی، دادرسی منصفانه را تضمین نمی‌کند (Dutton, 2012:1195). از طرفی نقض اصل بی‌واسطگی است که براساس آن شهادت باید به صورت شخصی ارائه شود (De smet, 2009:420).

۲-۲. حمایت از شهود در قانون آئین دادرسی کیفری

حمایت از شهود در نظام دادرسی اسلامی در مواردی که امنیت شاهد در معرض خطر و تهدید باشد، امری پذیرفته شده است و مغایرتی با مقررات شرعی و فقهی ندارد. به بیان دیگر، اگر ادای شهادت برای مثال موجب عُسر و حرج و یا ضرر و مشقت تلقی شود، از باب وجوب مقدمه امر واجب، باید همان حاکمیت که شاهد را ملزم به ادای شهادت می‌کند، برنامه‌های متنوع یادشده را برای حمایت از جان و مال و ناموس شاهد در معرض خطر، مقرر می‌دارد و این امر مغایرتی با موازین اسلامی و تدارک پیش‌بینی شده آن در حقوق موضوعه را ندارد (مؤذن‌زادگان و رثوفیان‌نائینی، ۱۳۹۰: ۲۱۹). قانون آئین دادرسی کیفری ایران نیز منطبق با موازین و مقررات شرعی و فقهی و مقررات بین‌المللی، حمایت از شهود را مدنظر داشته و در زمینه‌های مختلف، شهود را موردحمایت قرار داده است. برنامه‌ها و تدابیر امنیتی در حمایت از شهود و مطلعان از نظر قانون‌گذار دور نمانده و موادی از قانون آئین دادرسی کیفری به‌همین منظور اختصاص یافته است. در تبصره ۲ ماده ۲۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری، تحقیق از شهود و مطلعان به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات در خصوص دادرسی الکترونیکی پذیرفته شده است و به منظور رعایت حقوق دفاعی متهم و ضرورت مواجهه وی با شهود، به‌عنوان یکی از الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه استماع شهادت شهود و مطلعان به صورت الکترونیکی محدود به مواردی است که دلیل پرونده منحصر به گواهی گواهان و مطلعان نباشد. علاوه بر این، ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری، حفظ امنیت شهود و مطلعان و رفع خطر از آنان را ضروری دانسته و اتخاذ تدابیر لازم در این زمینه را از تکالیف مقام قضائی رسیدگی‌کننده دانسته است. در همین زمینه، آئین‌نامه

اجرائی حمایت از شهود و مطلعان مشتمل بر ۱۸ ماده و ۷ تبصره در تاریخ ۹۴/۱۰/۲۶ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا شده است. این برنامه‌های حمایتی، محدود به جرائم خاصی نیست و در مورد کلیه شهود و مطلعان در معرض خطر و تهدید قابل اجرا خواهد بود.

۲-۳. حمایت از شهود و حقوق دفاعی متهم

محرومیت متهم از رویارویی با شهود و عدم امکان طرح پرسش از آنان، به حق متهم در تدارک دفاع مؤثر از خود لطمه می‌رساند. هنگامی که در راستای اجرائی کردن برنامه‌های حمایتی، چهره و هویت شاهد افشاء نمی‌شود و متهم نیز از هویت وی بی‌اطلاع می‌ماند، این حق مخدوش می‌شود؛ زیرا همواره این احتمال وجود دارد که متهم توانایی خدشه بر شرایط شاهد را داشته باشد، اما با مخفی ماندن هویت وی، این حق از او سلب می‌شود و امکان تعرض و ایراد را از دست خواهد داد. بررسی مواد مربوط به حفاظت از شهود در اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که هر جا اتخاذ تدابیر و اعمال برنامه‌های حمایتی از شهود مقرر شده، صراحتاً قید شده است که این اقدامات نباید منافی و یا معارض با حقوق متهم باشد. به همین جهت، در محاکمات کیفری بین‌المللی تلاش می‌شود راهکارهایی اتخاذ شود که با حفظ امنیت شهود، حقوق دفاعی متهم نیز رعایت شود. مخفی ماندن هویت شهود، به‌عنوان استثنائی بر اصل در جرائم مهم و سازمان‌یافته فراملی و تروریستی پذیرفته شده است و کلیه جرائم را دربر نمی‌گیرد؛ چراکه اهمیت کشف جرائم سازمان‌یافته و فراملی و تروریستی، ایجاب می‌کند تا شهادت در پرونده‌های مذکور نیز به حق، واجد اهمیت دانسته شده و برای جلوگیری از تکرار و استمرار این اعمال مجرمانه، بیش‌ترین حمایت از ادله اثبات جرم به‌عمل آید. بنابراین، با وجود تعارض اقدامات حمایتی از شهود با حقوق دفاعی متهم، راهکارهایی مانند برقراری ارتباط از طریق ویدئو کنفرانس، ارائه شهادت از پشت حائل فیزیکی تعبیه‌شده میان متهم و شاهد، ارائه شهادت با تغییر صدا و یا چهره مبدل، قائل شدن حق جرح شاهد برای وکیل متهم می‌توان این تعارضات را به حداقل ممکن رساند (رتوفیان و حسن‌زاده‌محمدی ۱۳۸۹: ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۷). هرچند برنامه‌ها و تدابیر حمایت از شهود مغایر با حقوق دفاعی متهم است؛ لیکن در جرائم مهم و با توجه به مصلحت جامعه و ضرورت حمایت از شهود به‌منظور ترغیب آنان به بیان اطلاعات خود در جهت کشف جرم، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ ولی در زمان اجرای این برنامه‌ها، با استفاده از شیوه‌های اعلام‌شده، باید تلاش شود حقوق متهم نیز رعایت شود و بین حمایت از شهود و حفظ حقوق متهم تعادل برقرار شود.

۲-۳-۱. تقابل اخفای هویت شاهد با حق پرسش متهم از گواهان

حق متهم برای سؤال از شهود علیه خود در مرحله تحقیقات مقدماتی وقتی که هویت شاهد ناشناخته باشد با محدودیت‌هایی مواجه است. عدم افشای هویت در جهت حمایت از شاهد، ولی در تعارض با حقوق متهم خواهد بود. با توجه به اینکه با رویارویی شاهد و متهم - چه به صورت فیزیکی و چه از طریق ارتباط از راه دور - هویت شهود قابل شناسایی است، در صورت وجود احتمال خطر برای شهود در نتیجه افشای هویت، مقام قضائی موظف است از مواجهه آن‌ها جلوگیری به عمل آورد؛ مگر اینکه به نحوی با استفاده از تدابیری همچون تغییر قیافه، تغییر صدا و ... از شناخته شدن شاهد جلوگیری شود (Martin Hannibal, Lisa Mountford, 2010- 2011: 295). در جهت حمایت از شهود و مطلعان و حفظ امنیت آنان ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری مقرر داشته: «... در صورت وجود خطر جانی یا حیثیتی یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان، باز پرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع می‌تواند از مواجهه حضوری شاهد یا مطلع با متهم، افشای اطلاعات مربوط به هویت آنان خودداری کند و اظهارات شهود یا مطلعان را بدون ذکر هویت آن‌ها و یا در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور استماع کند». در تبصره‌های ماده قانونی مذکور ضمن تسری مقررات مزبور به مرحله دادرسی در دادگاه، مقرر شده ترتیبات مندرج در ماده مذکور باید به نحوی صورت پذیرد که منافی با حقوق دفاعی متهم نباشد.

بند ۵ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر داشته: «در مواردی که مطابق این اساسنامه ارائه ادله و یا اطلاعات، ممکن است منجر به خطرات بزرگی نسبت به امنیت شاهد یا خانواده او شود، دادستان می‌تواند در رابطه با مراحل رسیدگی قبل از شروع دادرسی، از ارائه آن ادله یا اطلاعات امتناع ورزیده و به جای آن، صرفاً خلاصه‌ای از آن‌ها را ارائه دهد. چنین ترتیبی باید به نحوی صورت گیرد که منافی و یا معارض با حقوق متهم و نیز یک دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه نباشد. از مقایسه بند ۵ ماده ۶۷ اساسنامه با ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری این نتیجه حاصل می‌شود که: اولاً نحوه نگارش و بیان مقررات مربوط به زمانی که خطر نسبت به امنیت شاهد وجود داشته باشد، در بند ۵ ماده ۶۷ اساسنامه با ماده ۲۱۴ متفاوت است؛ چراکه در ماده ۲۱۴ به بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان اشاره شده، ولی بند ۵ ماده ۶۷ خطرات بزرگ نسبت به امنیت شاهد را بیان کرده است. ثانیاً - در اساسنامه با وجود خطر بزرگ برای شاهد، دادستان نمی‌تواند آن ادله یا اطلاعات (اظهارات شاهد) را ارائه دهد و صرفاً می‌تواند خلاصه‌ای از آن را ارائه دهد، در حالی که ماده ۲۱۴ چنین قیدی ندارد. ثالثاً - ممنوعیت مربوط به ارائه اطلاعات شهادتی که ممکن است منجر به خطر نسبت به امنیت وی شود در اساسنامه صرفاً مرحله رسیدگی پیش از شروع

دادرسی را دربر می‌گیرد و طبیعتاً در صورت استناد دادستان دیوان کیفری بین‌المللی به چنین ادله‌ای در مرحله دادرسی، باید هویت وی برای متهم روشن شود تا متهم بتواند از خود دفاع کند، ولی در ماده ۲۱۴ این ممنوعیت کلیه مراحل فرایند رسیدگی کیفری اعم از تحقیقات مقدماتی و دادرسی را شامل می‌شود.

۳. استناد به شهادت شهود گمنام در رویه دیوان کیفری بین‌المللی

با توجه به اینکه در اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی رعایت حقوق متهم و منافع شهود، با هم مدنظر قرار گرفته است از شهود گمنام به صورت محدود و در شرایط اضطراری استفاده می‌شود. از طرفی شهادت شهود گمنام بدون حضور متهم استماع می‌شود و حق متهم نسبت به مواجهه، ارزیابی و پرسش از شاهد که در اساسنامه دادگاه‌های بین‌المللی تصریح شده لطمه می‌بیند (Combs, 2011:329). در محاکمات کیفری بین‌المللی اتخاذ اقدامات حمایتی برای شهود از طریق عدم افشای هویت آنان نخستین بار در پرونده تادیب مطرح شد. اعضای شعبه دادرسی ضمن اذعان به اینکه شهادت شهود ناشناس حق متهم بر پرسش از شهود را محدود می‌کند بر آن شدند که تنها در شرایط استثنائی و خاص آن را به‌عنوان اقدام مؤثر دادگاه برای حمایت از شهود بپذیرند. در پرونده بلاسکیچ نیز نظر دادگاه بر این قرار گرفت که شهود باید طی دادرسی مقدماتی و تا مدت معقولی پیش از محاکمه در دادگاه مورد حمایت باشند، ولی پس از آن زمان حق متهم بر دادرسی عادلانه باید مقدم شود و این ناشناسی شاهد را جز در شرایط استثنائی نفی می‌کند. بر این اساس، به دادستان اجازه داده شد که تنها طی مرحله مقدماتی نام شهود را از متهم پنهان نگه دارد، ولی باید در فرصتی کافی پیش از محاکمه اطلاعات را در اختیار او قرار دهد (فضائلی، ۱۳۹۲: ۴۴۷ و ۴۴۸). طبق ماده ۵۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی دادستان مکلف است شعبه مقدماتی را برای اخذ اظهارات شهودی که ممکن است، متعاقباً در جلسه دادرسی در دسترس نباشد، آگاه کند و اگر شعبه مقدماتی تصمیم دیگری اتخاذ نکند، دادستان باید اطلاعات در خصوص این امر را در اختیار متهم نیز قرار دهد. همچنین شعبه مقدماتی می‌تواند به صلاحدید خود و بدون آگاهی متهم، مبادرت به انجام اقداماتی به‌منظور اخذ شهادت شهودی کند که متعاقباً ممکن است در دسترس نباشد. بند ۲ ماده ۶۳ آئین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «هر شعبه مجاز است، نسبت به مرتبط بودن یا قابل‌پذیرش بودن کلیه ادله ارائه‌شده، ارزیابی آزادانه‌ای داشته باشد». اساساً در دادرسی‌های بین‌المللی هیچ سلسله‌مراتبی بین ادله وجود نداشته، چرا دادگاه کیفری بین‌المللی ارزش اثباتی ادله را تعیین می‌کند. در اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی آزادی ارائه هرگونه دلیل از جمله استناد به شهادت شهود گمنام وجود دارد؛ ولی استناد به این‌گونه دلایل

به‌عنوان مستند محکومیت در صورتی است که منافاتی با حقوق دفاعی متهم نداشته و مغایر با الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه نباشد. ضمن اینکه شرایط و قواعد رسیدگی و نحوه و چگونگی استناد به شهادت شهود گمنام ضمن اتخاذ تدابیر حمایتی برای شهود مشخص شده است و بیش‌تر معطوف به مراحل پیش از رسیدگی دادگاه است و چنانچه این دلایل از سوی دادستان در مرحله دادگاه ارائه شود، باید امکان پرسش برای متهم فراهم شود. از طرفی راهکارهای حمایت از شهود با رعایت حقوق دفاعی متهم دقیقاً مشخص شده است. در هر صورت، ارزش اثباتی و تأثیر گواهی گواهان نیز برعهده دادگاه قرار دارد و به‌عنوان دلیل قطعی در نظر گرفته نشده است. دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص شرایط اعتبار و ارزش اثباتی شهادت شهود گمنام مقررات و قواعد ویژه‌ای دارد و اساساً در رویه دیوان، شهادت شهود گمنام به‌صورت منفرد و مستقل برای اثبات حقیقت کافی نیست و دلیل قطعی محکومیت به‌شمار نمی‌روند و شهود با هویت معلوم که خود طرف دعوا نباشند و نفعی هم در نتیجه رسیدگی نداشته باشند، از اعتبار بالاتری نسبت به شهود گمنام برخوردار هستند و اگر اظهارات این شهود به‌صورت شهادت‌نامه مکتوب باشد و مخفی ماندن هویت در تعارض با حقوق دفاعی متهم قرار گیرد، در ارزیابی چنین شهادت‌نامه‌هایی امکان پرسش و به‌چالش کشیدن شهود توسط متهم را در نظر می‌گیرند و از جهت اثباتی ارزش کم‌تری نسبت به شهود با هویت معلوم برای شهادت آنان قائل‌اند. هرچند اساسنامه و آئین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی الزامی به پذیرش شهادت شهود گمنام پیش‌بینی نکرده و طبقه‌بندی مشخصی از ادله ارائه‌شده در جهت اثبات ادعا نیز بیان نکرده است؛ ولی رویه قضائی حاکم در دیوان کیفری بین‌المللی دلالت بر این دارد که با توجه به اهمیت جرائم در صلاحیت دیوان و لزوم حمایت از شهود و رعایت حقوق متهم و اینکه ممنوعیتی در استفاده از شهود گمنام وجود ندارد، در خصوص ارزش اثباتی شهادت این شهود اتخاذ تصمیم می‌کنند؛ چراکه براساس بند ۲ ماده ۶۳ آئین دادرسی و ادله دیوان هر شعبه می‌تواند نسبت به قابل‌پذیرش بودن کلیه ادله ارائه‌شده ارزیابی آزادانه‌ای داشته باشد. از نظر دیوان اروپایی حقوق بشر نیز اگر امکان پرسش از شهود در دادگاه وجود نداشته باشد و شهادت آنان به‌عنوان تنها دلیل محکومیت در نظر گرفته شود و یا چنانچه وکیل متهم، فرصت مواجهه با شهود پیدا نکند و یا هنگام پرسش متقابل، فقط صدای شاهد شنیده شود، بدون آنکه مستقیماً مواجهه‌ای میان آن‌ها صورت پذیرد، حقوق متهم نقض شده است (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

۴. ارزش اثباتی شهادت شهود با هویت ناشناخته در قانون آئین دادرسی کیفری

اهمیت نقش و مشارکت گواه در رسیدگی‌های کیفری مربوط ادله اثبات است؛ چراکه یکی از مهم‌ترین دلایل مورد استفاده در امور کیفری، گواهی گواهان است که به‌لحاظ ضرورت کشف جرم

و واقعیت و تأمین امنیت در جامعه به منظور اثبات جرائم، زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد و استناد به آن بستگی به اعتبار شهادت شهود دارد و به همین دلیل ارزش و اعتبار شهادت همواره به دلایل مختلف از سوی طرفین دعوی کیفری مورد تردید واقع می‌شود. سنجش، ارزش‌گذاری و میزان اعتبار شهادت شهود به منظور استناد در رسیدگی کیفری و در چارچوب اصول دادرسی عادلانه به ویژه رعایت حقوق متهم مبنی بر حق پرسش از شهود و جرح آنان، یکی از موضوعات مهم و مورد بحث و مناقشه است که از جمله آن مراعات کردن امنیت شهود و حقوق متهم و تأثیر آن در اعتبار و استناد به شهادت است. در نگاه کلی، می‌توان گفت آنچه باید در استماع و اعتماد بر شهادت شهود مورد ملاحظه قرار گیرد، اثبات اتهام مورد رسیدگی به دور از هرگونه تردید معقول است. بر این اساس، تکیه بر گواهی یک شاهد ناشناس بدون هیچ دلیلی دیگر، حتی اگر به لحاظ نظری، برای محکوم کردن متهم کافی دانسته شود، نمی‌تواند واجد آن معیار اثبات باشد. بنابراین، ناشناس بودن شاهد، به طور کلی، به نفع عدالت نیست؛ زیرا می‌تواند ارزش اثباتی شهادت‌های بسیار مهم را کاهش دهد. پس بهتر است، از توسل به این شیوه خودداری شود (فضانلی، ۱۳۹۲: ۴۴۹). بنابراین شهودی که اظهارات آنان به صورت مکتوب اخذ شده، ولی هویت آنان بر متهم یا وکیل وی مخفی بوده است و حق پرسش و مواجهه با شهود نیز از متهم سلب شده است، نمی‌تواند ارزش اثباتی مشابه با شهادت شهود با هویت معلوم داشته باشد، اما از آنجا که دادگاه می‌تواند هر دلیلی را که دارای ارزش اثباتی است، مورد پذیرش قرار دهد، اظهارات مکتوب شهود نیز قابلیت پذیرش دارند؛ لیکن ارزش اثباتی آن هم‌سنگ با شهادت شهود نخواهد بود و ارزیابی و میزان ارزش اثباتی آن برعهده دادگاه است، چراکه حضور شهود در دادگاه و مواجهه با متهم از اصول دادرسی است و فقدان این شرایط موجب تنزل شهادت به عنوان یک ادله اصلی برای محکومیت متهم خواهد بود، البته این امر مانع از آن نیست که نتوان برای اظهارات چنین شهودی ارزش اثباتی قائل شد؛ بلکه می‌تواند به عنوان قرائن و امارات مورد توجه مرجع قضائی قرار گیرد. در قانون آئین دادرسی کیفری کشورمان، در خصوص ارزش اثباتی و تأثیر شهادت شهودی که هویت آنان بر متهم یا وکیل وی مخفی مانده، اشاره‌ای نشده است و قانون‌گذار تفکیکی از جهت ارزش اثباتی بین شهود با هویت ناشناخته و شهود با هویت معلوم قائل نشده است. هر چند عبارت کلی «منافی با حقوق متهم نباشد»، در تبصره ۲ ماده ۲۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری می‌تواند مانع از پذیرش شهادت شهود گمنام که متهم با آن‌ها مواجهه نشده، هم‌سنگ با شهادت شهود با نام باشد. به عبارت دیگر، گواهی شهود گمنام، موضوعیت ندارد و دادگاه الزامی به پذیرش آن به عنوان دلیل قطعی ندارد و نمی‌تواند به تنهایی مستند حکم محکومیت قرار گیرد، مگر اینکه به ضمیمه سایر قرائن و امارات موجود در پرونده سبب حصول علم قاضی شود.

بنابراین می‌توان گفت که ارزش اثباتی شهادت شهود گمنام، به تشخیص دادگاه است؛ چراکه با توجه به سکوت قانون آئین دادرسی کیفری در خصوص میزان ارزش و تأثیر شهادت شهود در صدور حکم محکومیت، می‌توان به ماده ۲۴۱ قانون آئین دادرسی مدنی تمسک جست که صراحتاً تشخیص ارزش و تأثیر گواهی گواهان را برعهده دادگاه قرار داده است. پس ارزیابی و تأثیر گواهی شهود گمنام به تشخیص دادگاه بوده و شهادت چنین شاهدهی نمی‌تواند ارزش اثباتی هم‌سنگ و هم‌ردیف با شهودی که هویت آنان بر متهم روشن است و امکان مواجهه و پرسش از شهود برای متهم فراهم وجود داشته را دارا باشد.

۵. رویه قضائی در استفاده از شهود گمنام

با توجه به نوپا بودن برنامه گمنام ماندن هویت شهود به‌عنوان یکی از تدابیر حمایت از شهود در قانون آئین دادرسی کیفری و عدم تأسیس دفتر انجمن حمایت از شهود در دادگستری‌های سراسر کشور، رویه واحدی در استفاده از این تدبیر وجود ندارد. در مراجع قضائی کشور، شهود کم‌تر تقاضای مخفی ماندن هویت خود را می‌کنند و مراجع قضائی نیز با توجه به فراهم نبودن ابزارها و امکانات کافی، تمایلی به استفاده از این تدبیر ندارند. طبیعتاً در خصوص نحوه ارزیابی و ارزش‌گذاری شهادت شهود گمنام نیز رویه‌ها متفاوت است. از طرفی راهکارها و ابزارهای مشخص و دقیقی که امکان مواجهه متهم با شهود گمنام، پرسش و به‌چالش کشیدن شهود با هویت ناشناخته توسط متهم فراهم نشده است و شرایط شهادت شهود شرعی به‌عنوان دلیل قطعی در شرع مقدس اسلام نیز به‌نحوی است که عملاً یا احراز اوصاف شهود شرعی مشکل بوده یا شهود حاضر فاقد آن شرایط هستند و اینکه قضات در اثبات اتهام می‌توانند به مودای علم خود که از طریق متعارف حاصل می‌شود، عمل کنند، بیش‌تر ترجیح می‌دهند اظهارات شهود فاقد شرایط شرعی شهادت را مستمسکی برای رسیدن به علم لحاظ کرده و آن را مستند حکم محکومیت متهم قرار دهند. شهادت شهود گمنام که به‌مراتب بیش‌تر از شهود با هویت معلوم مورد تردید و انکار متهمان قرار می‌گیرند، چنانچه امکان مواجهه و پرسش متهم از آنان نیز به‌طریق مقتضی فراهم نشود، از ارزش و اعتبار کم‌تری از جهت اثباتی برخوردارند. به‌همین جهت، دادگاه‌ها بیش‌تر تمایل دارند که صرف شهادت شهود را کافی برای صدور حکم محکومیت ندانند و اساساً شهادت شهود ولو با هویت معلوم را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به علم خود مورد استفاده قرار دهند و در آرای خود به شهادت شهود به‌ضمیمه قرائن و امارات منعکس در پرونده استناد می‌کنند که در واقع مستند حکم محکومیت همان علم قاضی است، نه شهادت شهود؛ بنابراین در رویه قضائی کشورمان می‌توان گفت که علم قاضی بیش از سایر دلایل مورد استناد قرار می‌گیرد. با این اوصاف نمی‌توان قائل به این نظر شد که

در محاکم ایران شهادت شهود گمنام به تنهایی برای صدور حکم محکومیت کافی باشد. پس بهترین راه حل، استفاده از این شهود به عنوان وسیله‌ای برای حصول علم قاضی است. از آنجا که قانون‌گذار نیز ارزش گواهی شهود گمنام را مشخص نکرده است، اعتبار آن را باید به تشخیص دادگاه واگذار کنیم که در صورت عدم امکان مواجهه شهود گمنام با متهم در دادگاه، نمی‌توان ارزشی بیش از اماره قضائی برای آن قائل شد. به نظر می‌رسد با توجه به مقررات فعلی و تا زمان فراهم شدن سازوکارهای لازم در استفاده از شهود گمنام با رعایت حقوق دفاعی متهم، رویه قضائی ارزش و اعتبار شهادت شهود گمنام را چه به صورت تغییر هویت و چه با اخذ اظهارات آنان در برگه‌های کددار، در صورتی که امکان مواجهه متهم با شهود ولو به نحو غیر مستقیم از طریق سامانه‌ها و تجهیزات الکترونیکی فراهم نشود، به عنوان اطلاعاتی که در کنار سایر قرائن و امارات می‌تواند در حصول علم قضات مؤثر و مستند قرار گیرد، لحاظ می‌کند. به عبارت دیگر، با شرایط مورد اشاره شهادت شهود گمنام طریقت دارد و دلیل قطعی محسوب نشده و فاقد جنبه موضوعیت برای محکومیت متهم تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

مخفی کردن هویت شهود و مطلعان از متهم، به عنوان یکی از تدابیر اتخاذ شده برای رفع خطر از شهود و مطلعان نباید منافای با حقوق متهم و مغایر با الزامات دادرسی عادلانه و منصفانه باشد؛ بنابراین باید سعی شود که اولاً محدود شود؛ بدین نحو که استفاده از شهود گمنام به لحاظ تعارض با حقوق دفاعی متهم باید به وجود خطر بزرگ نسبت به شاهد و صرفاً در جرائم مهم محدود شود و مخفی ماندن هویت شاهد، صرفاً مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی باشد تا چنانچه دادستان یا شاکی در دادگاه به شهادت چنین شهودی استناد کند، امکان پرسش و مواجهه متهم با شهود فراهم شود و الا ارزش و اعتبار گواهی هم‌ردیف با شهادت شناخته شده، تلقی نشود و باید به تشخیص دادگاه به عنوان اطلاعاتی که می‌تواند به ضمیمه سایر قرائن و امارات موجود در پرونده مستند علم قاضی قرار گیرد، ارزش‌گذاری شوند. ثانیاً امکان پرسش از شهود برای متهم فراهم شود. طبیعتاً چنانچه امکان مواجهه و جرح شهود ولو از طریق وسایل الکترونیکی برای متهم فراهم نشود، شهادت چنین شهودی نباید هم‌سنگ و هم‌ردیف با شهود با هویت معلوم باشد و به تنهایی مستند حکم محکومیت متهم قرار گیرد. با این وصف، در پرتو دادرسی عادلانه اعتبار گواهی شهود گمنام تا حد اماره قضائی که می‌تواند به ضمیمه سایر دلایل مستند علم قرار گیرد، تنزل پیدا می‌کند. در حال حاضر، با توجه به توسعه دادرسی الکترونیکی و ایجاد سامانه‌های هوشمند در قوه قضائیه، به منظور حفظ امنیت شهود و رعایت حقوق دفاعی متهمان لازم است تدابیری اتخاذ شود تا بتوان ضمن اخفای هویت شهودی که در معرض هرگونه خطر هستند، شهادت آنان استماع شود و حق متهم

مبنی بر پرسش از آنان نیز مورد رعایت قرار گیرد. در چنین شرایطی، ارائه اطلاعات شاهد بدون اعلام هویت وی که در غیاب متهم استماع شده، در قالب اماره قضائی علیه متهم ارزش‌گذاری شود نه به‌عنوان شاهد یا گواه. به‌نظر می‌رسد رویه قضائی نیز تمایل بر این دارد که شهادت شهودی که هویت آنان در تمام مراحل دادرسی بر متهم مخفی مانده و امکان پرسش از آنان برای متهم نیز فراهم نشده است را در کنار سایر دلایل که می‌تواند در حصول و تحقق علم قاضی کمک کند، لحاظ نماید و جنبه طریقت و نه موضوعیت داشتن برای آن قائل شود.

منابع

فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۸)، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- آشوری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، چاپ اول، تهران: نشر گرایش.
- رنوفیان، حمید؛ ابوالفضل حسن‌زاده‌محمدی (۱۳۸۹)، «حمایت از شهود در چالش با حقوق دفاعی متهم»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۱، سال ۷۴، صفحات ۹۳ تا ۱۰۹.
- زاپالا، سالواتوره (۱۳۹۲)، *حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی*، ترجمه: حسین آقایی جنت‌مکان، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.
- فضائلی، مصطفی (۱۳۹۲)، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌الملل*، تهران: انتشارات شهر دانش.
- لوک‌والین (۱۳۸۵)، «قربانیان و شهود در حقوق بین‌الملل از حمایت تا حق بیان» ترجمه: توکل حبیب‌زاده، *مجتبی جعفری*، *مجله حقوق بین‌المللی*، شماره ۳۴، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، صفحه ۳۳ تا ۵۶.
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد وین (۱۳۸۸)، *بهترین راهکارها برای حمایت از شهود در پرونده‌های کیفری*، ترجمه: معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه، تهران: انتشار، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مؤذن زادگان، حسن‌علی؛ حمید رنوفیان نائینی (۱۳۹۰)، «حمایت از امنیت شهود در فرایند دادرسی کیفری»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی*، شماره ۵۶، زمستان، تهران، سال شانزدهم، صفحه ۲۰۳ تا ۲۲۶.

انگلیسی

- Combs, Nancy Amoury (2011), "Evidence", in: *Routledge Handbook of International Criminal Law*, William A. Schabas & Nadia Bernaz (Eds.), New York, Routledge.
- De Smet, Simon (2009), "A structural analysis of the role of the Pre-Trial Chamber in the fact-finding process of the ICC", in: *The Emerging Practice of the International Criminal Court*, Carsten Stahn & Göran Sluiter (Eds.), Netherlands, Martinus Nijhoff Publishers.
- Dutton, Yvonne M. (2012), "Virtual Witness Confrontation in Criminal Cases A Proposal to Use Videoconferencing Technology in Maritime Piracy", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 45.
- Martin Hannibal, Lisa Mountford (2010-2011), *Criminal litigation handbook*, Oxford university press.